

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم و پر زنده یک تن مباد
همه سر به سرتون به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ایران - فر هنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۴ اکتوبر ، ۲۰۰۸

شهراسن آلمان

مهر تکفیر

بنده یک شاعر، بی نام و نشان
که نه و بسیت و نه مبیت مراست
نه کتابی و نه ، مجموعه شعر
که فرستم به شما ، آنچه سز است
صادق و ساده و صافم به خدا
که ز **تزویر** ، مرا راه جداست
نه **لباس** به تن خود کردم
نه ، گذارم که به جان رفاقت
آن **لباسیت** ، پُر از **ریب** و **ریا**
در خور و شان همه **شیخ دغاست**
نه به اندام و ، تن ما زید
نه سزاوار قد سرو شماست
نقدکی نرم ، رقم میدارم
كمکی گرم و به دلها چو دواست
کار و باری به کسی نیست مرا
جز کسانیکه روان ، **راه خطاست**
هموطن ، دربدر و ، آواره
زانکه **بدبختی** ز ، **جهل** علماست

علماء سکه سیاسی شده اند
کُل سیاست به بغل جیب ملاست
بسکه از دین ، تجارت کردند
دین بیچاره ، کنون پا به هواست
نقدي انشا شدی از خامه من
همه گفتند که چون است و چراست
میتوانی به همه بنویسی
گر به (ارشاد) نویسی نه روانست
زانکه (ارشاد) ، شهادت دادی
ورنه میدیدی که گردش به هواست
همگی گنگه و کورند و ، کراند
بسکه ترسی به دل از مهر ملاست
خفه کردند ، صدایم به گلو
مهر تکفیر ، خوشآ ، فخر و سزاست
کمکی حاشیه رفتم ، به خدا
دل بی پیر مرا ، دست سخاست
آدرس شخصی من ، خواهی اگر
بنویش ، به تو گوییم که کجاست
عشق ، شهر است و محبت ، وطنم
کوچه دل ، و خیابان و فاست
گر بخواهی که بخوانی اثرم
افگ ، آزاد ، دَت و کام ، نماست
میتوانی که دهی نمره من
به دل هر که اگر جای بمامست
صفرو صفو و چلو نه ، دو صدو یک
پنج و سه ، هشت ، شش و سه ، هشت بجاست
بیش ازین نیست ز «نعمت» سخنی
اُذُنْ واعیه امروز که راست